

# مکاتبات تقی زاده و ابتهاج درباره نشر شکاس

متن نامه شماره ۱۲/۱ مورخ ۲۷ فروردین ۱۳۲۸ آقای ابتهاج بعنوان آقای تقی زاده

جناب آقای سید حسن تقی زاده

۳

مرقومه عالی مورخ ۲۴ فروردین ۱۳۲۸ دیروز جمعه ۲۶ فروردین ۱۳۲۸ در منزل عز  
وصول بخشید .

از آنجائیکه پسر فردا برای معالجه عازم اروپا هستم پاسخ آنرا پس از مراجعت خود به  
تهران مشروحا " معروض خواهم داشت و فعلا " بدینوسیله از جنابعالی خدا حافظی میکنم  
ابوالحسن ابتهاج

متن نامه شماره ۳۹/۱ مورخ سوم خرداد ۱۳۲۸ آقای

ابتهاج بعنوان آقای تقی زاده

جناب آقای سید حسن تقی زاده

در تعقیب نامه شماره ۱۲/۱ مورخ ۲۷ فروردین ۱۳۲۸ خود اینک که بهتران مراجعت  
نموده ام بپاسخ نامه مورخ ۲۴ فروردین ۱۳۲۸ جنابعالی که مقارن حرکت اینجانب باروپا زیب  
وصول بخشیده بود مبادرت مینمایم و خیلی متاسفم که با توضیحات کافی و مفصلی که در نامه  
مورخ ۱۷ فروردین ۱۳۲۸ خود برای رفع هرگونه ابهام و سوء تفاهمی داده بودم باز نگارش  
این نامه ضرورت پیدا میکند .

اساسا " غرض اینجانب آن بود که خاطر محترم عالی را بحقیقی چند متوجه سازم و هر  
گز تصور نمیکردم که نامه اینجانب را " مجادله آمیز " و مبنی بر " احتجاج " تلقی فرمائید  
زیرا جنابعالی در پشت تریبون مجلس شورای ملی مطالبی بیان فرموده بودید که بدون شک  
عده ای را گمراه کرده و اینجانب بوسیله نامه خود فقط خواسته بودم که - حتی المقدور -  
حقیقی را در ذهن آنجناب روشن سازم تا شاید از این بیعد در مجلس شورای ملی باین

قبل اظهارات که بزبان کشور منتهی میشود مبادرت نفرمائید و بسیار جای تعجب است که نامه‌ایکه با این نیت مستقیماً بعنوان خود آنجناب نگاشته شده مجادله آمیز و مبنی بر احتجاج تلقی گردد .

در قسمت اول نامه مورخ ۲۴ فروردین ۱۳۲۸ تعریف و تمجیدی از اعمال دوره تصدی وزارت دارائی خودتان فرموده و بذکر این مطلب پرداخته‌اید که در آنزمان بودجه مملکت هتدل بود (قریب چهل میلیون تومان) و بیشتر آن صرف کار میشد نه برای " حقوق " باطله . . . . . " در دو سطر بعد هم مرقوم فرموده‌اید " . . . میزان اسکناس بیش از سی و چهار میلیون تومان نبود . . . . . "

جواباً عرض میکنم که کمی رقم بودجه نمیتواند جزو افتخارات و آرزوهای ما باشد زیرا هر بودجه باید در درجه اول احتیاجات ضروری مملکت را تامین نماید و اگر احتیاجات واقعی کشور رو بغزونی باشد رقم بودجه هزینه کشور نیز طبعاً باید افزایش یابد و این یک امری نیست که از مختصات کشور ما باشد بلکه حقیقتی است که در بودجه سایر کشورهای جهان نیز برای العین مشهود میگردد .

اما اینکه فرموده‌اید بیشتر این بودجه چهل میلیون تومانی صرف کار میشد نه برای حقوق باطله ، باید خاطر عالی را مستحضر سازم که امور تولیدی و انتفاعی که در زمان اعلیحضرت شاه فقید صورت گرفته است مانند ساختن راهها ، ایجاد کارخانه‌های تولیدی ، اعزام محصلین بخارجه و ایجاد دانشگاه و غیره هیچیک در زمان وزارت دارائی جنابعالی نبوده بلکه در دوره آنجناب بر خلاف آنچه مرقوم فرموده‌اید قسمت اعظم همان چهل میلیون تومان نیز صرف حقوق کارمندان میشده است .

اصلاحات اقتصادی که در زمان اعلیحضرت شاه فقید بعمل آمد با نطق و خطابه و منفی بافی و عوام فریبی و ذکر عدمیات انجام پذیر نبود بلکه برای آن اقدامات عظیم و سودمند ضرورت داشت که متدرجاً " هم بمقدار پول در جریان و هم ببودجه هزینه کشور افزوده شود . این بود که بودجه چهل میلیون تومانی سال ۱۳۱۰ بتدریج تا سال ۱۳۲۰ بچهار صد و بیست و سه میلیون تومان رسید و سی و چهار میلیون تومان اسکناس منتشره سال ۱۳۱۰ نیز به تدریج تا سال ۱۳۲۰ بدویست میلیون تومان بالغ گردید . حتی دکتر میلیه‌پو که علناً یکی از مخالفین سرسخت اعلیحضرت شاه فقید بشمار میرفت در کتاب خود موسوم به " امریکائیها در ایران " عملیات دوره اعلیحضرت شاه فقید را محیرالعقول دانسته است . اما پس از شهریور ۱۳۲۰ افزایش نشر اسکناس معلول ورود قشون متفقین بایران بوده و این نکته مورد تردید نیست که اگر قشون متفقین بایران نمی‌آمدند و احتیاجات ریالی پیدانمیکردند تا این اندازه بانتشار اسکناس ولو با پشتوانه صد در صد اقدام نمیشد . اینجناب با آنکه هیچوقت

طرفدار و مدافع عملیات آن حکومتها نبوده‌ام برخلاف انصاف میدانم که کسی بدون ملاحظه و توجه باوضع واحوال استثنائی آن زمان اعمال دولتهای وقت را مورد انتقاد قرار بدهد .

اینکه میفرمائید " . . . . . ولی پس از جنگ این اسکناسهای محتاج‌الیه خارجی‌ان جمع آوری نشد و در دست مردم و در جریان ماند . . . . . " اعتراضی است که عده‌ای بی اطلاع واحیانا " مغرض بیانک ملی ایران میکنند که بهیچوجه معقول نیست . زیرا اصولا " جمع آوری اسکناس بسه طریقه بیشتر میسر نیست . اول در مقابل دادن طلای پشتوانه ، دوم در مقابل دادن ارز ، سوم تقلیل میزان اسکناس بوسیله ضبط قسمتی از اسکناسهای منتشره و این طریقه سوم همان عملی است که در عده‌ای از کشورها انجام گردیده است .

طریقه اول را بانک ملی ایران نمیتواند قانونا " بموقع اجرا بگذارد زیرا ماده ۱۵ همان قانونی که شخص جنابعالی در زمان وزارت دارائی خودتان یعنی در ۲۲ اسفند ماه ۱۳۱۵ بتصویب مجلس شورای ملی رسانیده‌اید ( که این قسمت در قانون مصوب ۱۳ اسفند ماه ۱۳۲۱ تأیید شده ) بانک ملی ایران را از دادن طلا در مقابل اسکناس ممنوع میسازد . طریقه دوم نیز با اینکه با مقررات خاص اجرا شده مورد اعتراض شخص جنابعالی قرار گرفته است که میفرمائید چرا دولت ارزهای خود را در مقابل ورود پاره‌ای کالا از دست بدهد و بنابراین اگر در مقابل اسکناسها ارز زیادتری داده میشد ناچار مخالفت زیادتری با عقیده جنابعالی داشت . طریقه سوم که عبارت از ضبط اسکناسها باشد از جمله اقداماتی است که امیدوارم در کشور ما هیچوقت بآن متوسل نشویم .

بعلاوه شاید اطلاع داشته باشید که " پول " تنها اطلاق با اسکناس نمیشود بلکه سپرده‌های مردم در نزد بانکها با اسکناس در جریان فرقی ندارد چه هر دو وسیله پرداخت و قوه خریدند . بنابراین بفرض آنکه آن قسمت از " پول " که بشکل اسکناس در دست مردم است بوسائل مختلف از دست آنها خارج شود و بشکل " سپرده " در آید تازه اثر محسوسی در تقلیل قوه خرید یا تنزل قیمتها نخواهد داشت .

آنچاکه نخستین بار ضمن نامه جنابعالی باظهار نظر مثبت مبادرت شده است مرقوم فرموده‌اید " . . . . . شاید تبدیل اسکناسهای گرانبها با اسکناس خودره ( خرده ) و کم بها یکی از تدابیر مفیدی باشد . . . . . " .

تصور میکنم که نظر آنجناب معطوف با فدامی است که در انگلستان بآن مبادرت کرده‌اند یعنی اسکناسهای درشت را با اسکناسهای ریز تبدیل نموده‌اند در صورتیکه این اقدام در انگلستان بمنظور جلوگیری از بازار سیاه بوده است که اصولا در ایران بدینوسیله نمیتوان بآن نتیجم مطلوب رسید . در کشور ما متابعت از این رویه نه تنها اسکناسهای در جریان را از حیث مبلغ **تقلیل نخواهد داد بلکه تعداد آنها را اضافه خواهد نمود** از این راه مبالغ خطیری هم بهزینه

چاپ اسکناس خواهد افزود. بعلاوه این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که درشت‌ترین اسکناس ایران اسکناس یکهزار ریالی است که با مقایسه با غالب کشورهای خرد، محسوب می‌شود. راجع به پشتوانه اسکناس و میزان آن در زمان وزرات دارایی خودتان مرقوم فرموده‌اید: چنانکه در خود قانون هم منظور شده ( مقصود قانون مصوب ۲۲ اسفند ۱۳۱۰ میباشد ) معادل شصت درصد اسکناسهای منتشره مسکوک نقره در جریان بوده یعنی مردم مملکت معادل همان مقدار اسکناسی هم که در ذخیره زیر قفل نبود نقره در دست داشتند و نمیدانم چرا این مقدار نقره منتشر در دست و پای مردم . . . " نباید در حقیقت ( اگر نه اسما " ) ذخیره اسکناس و پشتیبان معتبر بیچکهای منتشره شمرده شود . . . " .

اینجناب اطمینان کامل دارم که در هیچیک از ادوار تاریخی و در هیچ نقطه‌ای از نقاط جهان حتی یک نفر هم مانند آنجناب پیداننده است که گفته باشد پول جاری در دست مردم که ممکن است آنرا ذوب کنند یا در صندوقهای شخصی نگاهدارند یا زیر خاک پنهان نموده باحتی از کشور خارج کنند ( چنانکه در ادوار مختلف بارها اتفاق افتاده است که مسکوک نقره ایران یا در داخله ذوب و یا بطور قاچاق از مرزها خارج شده ) ممکن است جزو پشتوانه اسکناس قرار بگیرد. اگر بعقیده جنابعالی نقره در دست مردم را بتوان پشتوانه نامید پس بطریق اولی باید جائز باشد که گوشواره و دست بند و سینه ریز طلای زندهای کشور را هم بعنوان پشتوانه قبول نمود زیرا زینت آلات مزبور اقلاً از طلا ساخته شده و برای پشتوانه اسکناس شایستگی بیشتری نسبت بنقره دارد. خطای این عقیده نیازمند دلیل نیست .

جنابعالی مختارید که شصت درصد از مسکوک نقره در دست مردم یا احیاناً " خارج شده از مرز را جزو پشتوانه اسکناس بدانید لیکن اینجناب و سایرین از قبول این عقیده معذوریم زیرا معتقدیم که لفظ " پشتوانه " را باید صرفاً " بان چیزی اطلاق نمود که نزد بانک ناشر اسکناس حفظ و نگاهداری میشود . بارعایت این معنی حداکثر پشتوانه‌ای که جنابعالی بموجب قانون ۲۲ اسفند ۱۳۱۰ برای اسکناسهای این بانک قائل شده و به تصویب مجلس شورای ملی رسانیده بودید از ۴۰٪ تجاوز نمی‌نمود و بنابراین اول کسی هم که نتایجی با پشتوانه ۵۰٪ مخالفت بنماید قاعدتاً " باید خود جنابعالی باشید و حال آنکه اکنون با این منطق مخالفت می‌ورزید و راجع بغروریت و اصل لایحه‌ای که پشتوانه ۴۰٪ دوره وزارت دارایی جنابعالی را به ۵۰٪ میرساند یعنی ۱۰٪ هم افزایش میدهد در جلسه بیست و ششم اسفند ۱۳۲۷ مجلس شورای ملی اظهار میدارید که " . . . اینطور غافلگیر کردن و اینطور فوری آوردن خوب نیست . . . اینکار بضرر ملت است و مخالف مصالح مملکت است و بحدی مضر است که می‌ترسم بگویم . . . بخدای لایزال قسم است که این عمل فوق تصور آفتابان برای مملکت

مضراست ...".

بی مناسبت نمیدانم که در اینجا میزان پشتوانه عده‌ای از کشورها را در دوره وزارت دارائی جنابعالی و میزان پشتوانه همان کشورها را در زمان حاضر باطلاع عالی برسانم تا ملاحظه فرمائید که با وجود آنکه پشتوانه آن کشورها نسبت بآن تاریخ تقلیل یافته میزان پشتوانه ای که دولت فعلی پیشنهاد کرده و مورد اعتراض جنابعالی واقع شده نسبت بآنکه خود جنابعالی بتصویب مجلس شورای ملی رسانیده‌اید لااقل ده در صد بیشتر است .

میزان پشتوانه الزامی در ۱۳۱۰	میزان پشتوانه الزامی کنونی
فرانسه	۳۵%
انگلستان	۲۶%
آمریکا	۴۰%
ایتالیا	۴۰%
شیلی	۵۰%
استرالیا	۱۵%
کلمبیا	۶۰%
ایران	حداکثر ۴۰% ۵۰% طبق لایحه تقدیمی اخیر

جنابعالی در نامه خودتان در اینخصوص میفرمائید "... قیاس مع الفارق است ... اگر ممالک پرثروت و با اعتبار و بسیار بسیار متمول برای اسکناس خود فلان مقدار ذخیره طلارا لازم دانسته باشند ... ماکه فقیر تر و بی موازنه تر و بی اعتبار تر هستیم باید حتما " لااقل سه برابر آن مملکت ذخیره طلای فلزی داشته باشیم ...

این منطق کاملا " ناصحیح و حقیقه ما به حیرت است زیرا اگر کشورهای ثروتمند حاضر نیستند قسمت اعظم داراییهای فلزی و ارزی خود را بعنوان پشتوانه بلا استفاده و محبوس نمایند و آنها را در راه تولیدیادتری خرج میکنند بطریق اولی اولیای امور کشور فقیری مانند ایران که بیش از ۸۰% مردم آن گرسنه و برهنه میباشند و جنابعالی همیشه در ظاهر نسبت بآنهاد لسوزی فرموده‌اید نباید این دارائی را مخفی کرده و بعنوان اینکه توانائی مالی ندارند مصائب مردم را باخوتسردی و لاقبیدی تلقی نمایند .

کشور ما امروز در حدود ۱۹۰ میلیون دلار طلا و ارز بعنوان پشتوانه نگاهداری مینماید و مقررات قانونی حتی ما را از استفاده از یک دینار آن محروم میسازد در صورتیکه کشور متمولی مثل انگلستان بطوریکه در بالا ذکر شد در مقابل هر یکصد هزار لیره اسکناس در حدود ۲۰ لیره پشتوانه طلا دارد و بقیه آن اسناد قرضه ایست که بانک بدولت داده است .

در نامه خودتان به اینجانب مرقوم میفرمائید که "... لزوم وجود صد درصد ذخیره

اسکناس‌درسنه ۱۳۲۱ را تصدیق فرموده و آن را برای کاستن از نگرانی مردم لازم و مفید می‌شمارید ولی معلوم نیست که چرا حالا باید نگرانی مردم با وجود موجداتی که خرابی اداری و مالی و اقتصادی و اسرافات و اتلافات آنرا در برابر مزید کرده کمتر از سابق بشود ...

اینجانب تصدیق میکنم که داشتن پشتوانه صد در صد رادر سال ۱۳۲۱ برای اسکناس‌های منتشره لازم میدانستم اما علل و موجبات آن زمان بهیچوجه با زمان حاضر یکسان نیست زیرا در آن تاریخ انتشار اسکناس بیشتر برای رفع حوائج متفقین بوده و ما با اقرار دادن به توانه صد در صد آنهارا مجبور میکردیم که در مقابل هر اسکناسی که میگفتند معادل آن طلا یا زیما تحویل بدهند و علاوه بر این نمیتوانستیم بعلت جنگ و بسته بودن راههای بازرگانی و کمبود تولید دنیا این طلاها و ارزها را تبدیل بکالا کنیم و رفع نیازمندیهای خود را از آن حیث بنمائیم در صورتیکه حالا میخواهیم مقداری از همان طلا یا ارزها را در راه عمران و آبادی کشور خرج کنیم و بر میزان تولید بیفزاییم ، بنابر این داشتن پشتوانه صد در صد در حال حاضر با وضع اسفانگیز افراد کشور خلاف مصلحت و اصول اقتصادی میباشد . در نامه خودتان خطاب با اینجانب میفرمائید : " ... در مقابل اصرار و میل شدید جنابعالی باینکار با شصت و بهتر از آن هفتاد در صد موافقت کردم ... "

باید یاد آور شوم که در جلسه ای که در تاریخ ۱۲ دی ۱۳۲۷ با جنابعالی مذاکره کردم ابتدا " صحبت از ۷۰٪ نبود و جنابعالی با همان ۶۰٪ موافقت فرمودید چنانکه قبل از تقدیم لایحه بمجلس شورای ملی نیز یکی از آقایان وزیران همین ۶۰٪ را پیشنهاد کردید . دلیل این مطلب که چرا بانک ملی ایران بجای ۶۰٪ فقط ۵۰٪ پیشنهاد کرد و هیئت دولت هم این پیشنهاد را پذیرفت در نامه شماره ۵/۱ مورخ ۱۷ فروردین ۱۳۲۸ این جانب باستحضار جنابعالی رسیده است .

اما اینکه راجع باین ۶۰٪ میفرمائید : " ... ولی منظور من طلای فلزی موجود بود نه ارزش خارجی ... " خوشوقتم از اینکه منظور خود را در این نامه تشریح فرموده‌اید زیرا در آن جلسه چنین نظری را ذکر نفرمودید . بهر حال هرگاه بلا یحه تقدیمی دولت توجه بفرمائید مشاهده خواهید فرمود که پشتوانه پیشنهادی ۵۰٪ عبارت از طلا و ارزهای تضمین شده بطلا است که لا اقل نصف این ۵۰٪ بایستی طلا باشد . در مورد ارزها هم اگر روزی ارزش آنها نسبت بطلا تنزل نماید بلا فاصله تفاوت آن بمانادیه خواهد شد چنانکه چندی قبل بمناسبت ترقی مختصر طلا در بازار لندن تفاوت لیره‌های تضمین شده بما پرداخت گردید . با این وصف ملاحظه میفرمائید که ارزهای پشتوانه پیشنهادی فعلی از لحاظ ثبات ارزش مثل طلا است در صورتیکه ارزها ای که جنابعالی در سال ۱۳۱۰ بعنوان پشتوانه برای اسکناسهای این بانک قائل شده بودید چنین تضمینی را نداشت . بقیه در صفحه ۶۰

آخرین سخن وسپازین امپراطور رم است - امپراطور سخت بیمار شد در حالیکه دیگر توانائی ایستادن نداشت ، ناگهان از جا برخاست و جمله بالا را گفت و در آغوش افسرانش جان سپرد . وسپازین در وضع قانون مهارت بسزائی داشت و در دفاع از عقاید خود نیرومند بود . در آخرین سال وسپازین مالیات سنگینی بر آبریزهای عمومی بست مردم که سخت عصبی بودند به پسرش رو آوردند که پدر را از گرفتن چنین مالیاتی منع نماید . پسر بدرخواست مردم نزد پدر رفت و گفت پدر بزرگوار اخذ مالیات از آبریزهای عمومی شایسته امپراطور نیست ، امپراطور مثنی یول خرد از جیب درآورد و گفت " پسرم پول بوندارد .

"تاریخ رم قدیم سالهای قبل از میلادی

۵۶- " آدم ها نسبت بیکدیگر مانند گرگ هستند همدیگر را پاره می کنند "

جمله لاتین که سخن و شعار فلاسفه بدبینی است که میگویند انسان خوی درندگان دارد و مانند گرگ یکدیگر را پاره می کنند .

برعکس گروه دیگری هستند که عقیده دارند ، آدم ها نسبت بهم روش ملکوتی و خدائی دارند و جمله لاتین " معرف این اندیشه است .

بیشتر فلاسفه ایران پایه حکمت و روش فلسفی خود را بر پایه محبت و انسان دوستی گذاشته اند - سرآمدان مولانا جلال الدین بلخی و شیخ اشراق است ( برای مطالعه بیشتر این دو مکتب بسیر حکمت در اروپا - روانشناسی دکتر علی اکبر سیاسی و شرح حال مولانا بقلم فروزانفر و نوشته های آقای دکتر رضانژاد در مجله وحید مراجعه فرمائید ) .

ادامه دارد

بقیه از صفحه ۱۵۵

در نامه خودتان بیولهای ایران در مسکو یعنی بمقدار طلا و دلاری که در اتحاد جماهیر شوروی داریم اشاره فرموده اید . با اینکه در لایحه پیشنهادی دولت از این پولها بعنوان پشتوانه ذکری بمیان نیامده است مع هذا چون ما این دلار و طلاها را طلب مسلم و غیر قابل انکار خود میدانیم و اطمینان کامل داریم که آنها را از بدهکار وصول خواهیم شود . دلیلی وجود ندارد که آنها را جزو دارائی خود نشان ندهیم . ضمنا " لازم میدانم متذکر شوم که این قبیل اظهارات جناب عالی ممکن است توهمات ایجاد کند که خدای نخواستہ مالا " بضرر کشور تمام بشود .

درباره جواهرات نیز هر چند در لایحه دولت تصریح شده است که جزو پشتوانه نخواهد بود اما کسی که مسکوک نقره در دست مردم و یا خارج از کشور را " پشتیبان " پول بداند حق ندارد بوجود جواهرات پشتوانه اعتراض نماید . ( تا تمام )